

# ویژگی‌های عصر امام عسکری علیه السلام

جواد محدّثی

## چکیده

یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخ اسلام، عصر امام حسن عسکری علیه السلام است که هم از نظر مسائل فکری، اعتقادی و سیاسی، هم به لحاظ وجود فرقه‌ها و گرایش‌های گوناگون و هم از دیدگاه تاریخی، دوره‌ای خاص به شمار می‌رود. در این دوران، فرقه‌ها و مکاتب انحرافی - یکی پس از دیگری - با هدف گمراه کردن مسلمانان، سر بر می‌آوردند و امام با روشنگری‌های خود در برابر انحرافات چون جعل حدیث و روایت و شبهه‌افکنی درباره قرآن می‌ایستاد و و تبیین عقاید حقه و راستین می‌پرداخت. با وجود عمر کوتاه امام، احادیث فراوان و یک کتاب تفسیر به ایشان منسوب است که گویای جایگاه علمی والای حضرت است.

امام عسکری علیه السلام در عصر خود، «مرجع علمی» و «پشتوانه فکری» شیعه به شمار می‌رفت و با اینکه بیشتر دوران امامت خود را در زندان به سر برد، برای ارتباط با شیعیان از نمایندگانی کمک می‌گرفت. این بهره‌گیری از شیوه «نظام وکلایی»، شیعیان را برای غیبت حضرت مهدی (عج) آماده می‌کرد.

این نوشتار، ضمن تبیین ویژگی‌های گوناگون عصر امام حسن عسکری علیه السلام و جایگاه علمی و مذهبی ایشان، دلایل سختگیری خلفا بر حضرت و شیوه هدایت شیعیان در این دوران را شرح داده است.

**واژگان کلیدی:** امام حسن عسکری علیه السلام، مکاتب انحرافی، حکومت عباسی، نظام وکلایی، مهدی (عج).

## مقدمه

دوران امام حسن عسکری علیه السلام از نظر مسائل فکری، اعتقادی و سیاسی و وجود فرقه‌ها و گرایش‌ها، دوره‌ای خاص است. امامت هر امام نیز همچون فروغی روشنگر، زوایای پنهان و اندیشه‌های مبهم را روشن می‌سازد و امام به عنوان «حجت خدا» راه روشن و «صراط مستقیم» را برای پیروان، تبیین و ترسیم می‌کند. در این نوشته، به برخی از ویژگی‌های عصر امام حسن عسکری علیه السلام اشاره می‌شود.

## فرقه‌های کلامی و مکاتب انحرافی

از آن‌جا که «امام» دیدبان مکتب و مدافع دین خداست، نمی‌تواند نسبت به جریان‌های فکری و انحرافات اعتقادی زمان خود بی‌تفاوت باشد. دوران امام عسکری علیه السلام نیز همچون امامان دیگر، خالی از این‌گونه گرایش‌ها و افکار و داعیه‌داران و شبهه‌آفرینان نبود. ایجاد شبهه از سوی مخالفان اسلام، با انگیزه گمراه ساختن مسلمین رواج داشت. امام نیز با بیان «حق»، روشنگری می‌کرد و حتی در برابر کسانی که با جعل حدیث، روایات دروغ را به آن حضرت و پدر بزرگوارش نسبت می‌دادند، افشاگری می‌کرد.

برخی از این گرایش‌های انحرافی، پیرامون «قرآن» بود. مثلاً اسحاق کندی که در عراق بود، درباره قرآن شبهه‌افکنی می‌کرد. او کتابی را به گمان خود درباره «تناقضات قرآن» نوشت. امام عسکری علیه السلام در برخورد با بعضی از شاگردان او فرمودند: «آیا در میان شما مرد رشیدی نیست که استادان (کندی) را از کاری که مشغول آن است، باز دارد؟» یکی گفت:

او استاد ماست، چگونه می‌توانم در این زمینه یا هر موضوع دیگر به او انتقاد کنم؟! امام پرسید: «آیا اگر من نکته‌ای به تو بگویم، به اسحاق کندی منتقل می‌کنی؟» گفت: آری. آن‌گاه امام، دلایلی در ردّ شبهه‌افکنی‌های اسحاق به شاگرد او آموخت و حتی شیوه بحث و برخورد با او را هم بیان کرد (که نقل آن به درازا می‌کشد). وقتی اسحاق سخنان امام را شنید، به شدت تکان خورد و معجب گشت و چون حق برای او روشن شد، آن نگاهشده‌ها را سوزاند و از بین برد.<sup>۱</sup>

از انحرافات دیگر آن عصر، رواج جعل حدیث و نشر روایات دروغین در میان مردم بود. «عروه بن یحیی بغدادی» یکی از جعل‌کنندگان روایت بود و احادیث دروغی را به امام عسکری علیه السلام نسبت می‌داد و از اموالی که شیعیان برای امام می‌فرستاد، اختلاس می‌کرد. امام او را لعن کرد و از او تبری جست و از شیعه خواست تا او را لعن و طرد کنند و فریب دروغ‌پراکنی‌های او و امثال او را نخورند.<sup>۲</sup>

عصر امام عسکری علیه السلام از نظر عقاید و روش‌های فکری، عصر سالم و بی‌مسئله‌ای نبود و همه‌گونه دعوت‌ها و گرایش‌ها رواج داشت. امام نیز بنا بر وظیفه خویش، به هدایت افکار و شبهه‌زدایی و تبیین عقاید حقّه و راستین می‌پرداخت.

### تفسیر امام از قرآن

باتوجه به مباحث گوناگون درباره قرآن، از جمله فهم و تفسیر آیات، سبک‌ها و گرایش‌های مختلفی وجود داشت. بنابراین لازم است درباره تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام که بعضی آن را انکار و در صحت آن تشکیک می‌کنند، نکاتی مطرح شود.

شکی نیست که امام عسکری علیه السلام همچون امامان دیگر، احادیثی را در تفسیر برخی آیات داشته‌اند که در کتب روایی و تفسیری نقل شده است. اما آنچه به صورت یک کتاب مستقل به نام «تفسیر امام عسکری علیه السلام» مطرح است و به آن حضرت نسبت می‌دهند، هرچند برخی علمای بزرگ، همچون شیخ صدوق، طبرسی، شهید ثانی، ابن شهر آشوب، شیخ آقابزرگ و... این نسبت را درست می‌دانند،<sup>۳</sup> ولی برخی نیز در آن تردید دارند.

برخی با سندی که برای آن می‌آورند، نشان می‌دهند که این تفسیر توسط امام، در چندین جلسه برای تعدادی از شیعیان در مدت اقامتشان در محل سکونت گفته شده و آن‌ها

یادداشت می کرده‌اند. در سلسله سند این نقل، روایاتی قرار دارد که رجالیون همه آن‌ها را توثیق نکرده‌اند. بعضی مثل مرحوم آیت‌الله خوئی حتی این نسبت را دروغ می‌شمارند. برخی استدلال می‌کنند با آن شرایط دشواری که امام حسن عسکری علیه السلام زیر نظر بود، چگونه ممکن است جمعی از شیعیان، به مدت هفت سال در دیدارهای مکرری که با امام داشتند، آزادانه در جلسه تفسیر آن حضرت بنشینند و یادداشت کنند؟!<sup>۴</sup>

به هر حال، آنچه امروزه در کتابخانه‌ها موجود است و نام «التفسیر المنسوب إلى الامام أبي محمد العسکری علیه السلام» بر آن دیده می‌شود و شامل تفسیر استعاده، بسم‌الله، سوره حمد و بخش عمده آیات سوره بقره است (و تفسیر کامل قرآن نیست، همچنان که از نام آن بر می‌آید)، «منسوب» به آن امام معصوم است و بسیاری از علما در حتمیت این نسبت تشکیک کرده‌اند.

### روایات و اصحاب آن حضرت

با وجود سخت‌گیری‌های خلافت نسبت به ارتباط با آن حضرت، در منابع حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام احادیث بسیاری نقل شده است و روایان از آن حضرت کم نیستند. علی‌رغم آن که عمر آن حضرت کوتاه بود و در بیست و هشت سالگی به شهادت رسید، این حجم از روایات، قابل توجه است. مجموعه‌ای از کلمات آن حضرت با عنوان «موسوعه کلمات الامام العسکری علیه السلام» تدوین و چاپ شده و به فارسی هم ترجمه گردیده است.<sup>۵</sup>

خلافت عباسی برای جلوگیری از نشر فضایل و علوم آن حضرت، تزییقاتی را برای امام و مردم در ارتباط و دیدار، فراهم کرده بود. در عین حال، عالمان و روایان در هر فرصتی که پیش می‌آمد، با آن حضرت دیدار می‌کردند و پرسش‌هایی داشتند و پاسخ‌هایی دریافت می‌کردند. در یکی از منابع، تعداد ۱۰۶ راوی نام برده شده که از اصحاب و روات امام عسکری علیه السلام هستند؛<sup>۶</sup> کسانی همچون: ابراهیم بن مهزیار، احمد بن ادریس قمی، احمد بن اسحاق اشعری، حسن بن موسی خشاب، داود بن قاسم جعفری، سعد بن عبدالله قمی، حضرت عبدالعظیم حسنی، عثمان بن سعید عمری (که یکی از وکلای چهارگانه امام زمان علیه السلام در دوره غیبت صغری بود)، علی بن حسن بن فضال کوفی، فضل بن شاذان، محمد بن حسن صفار، محمد بن عثمان عمری (که او هم یکی از نوآب اربعه حضرت مهدی علیه السلام بود)، ابوالختری و بسیاری دیگر که همه افتخار نقل حدیث از امام عسکری علیه السلام داشته‌اند و از حافظان میراث علمی و فقهی و کلامی حضرت بودند.

## بعد علمی

علوم گسترده و لدنی امامان، یکی از جهات فضیلت آنان است. آنچه درباره همه امامان می‌توان گفت و دیگران هم گفته‌اند، این است که آنان داناترین و با فضیلت‌ترین چهره‌های عصر خود بودند و اگر جز این بود، نمی‌توانستند از سوی خدا «حجت بر خلق خدا» باشند. امام عسکری علیه السلام نیز این‌گونه بود.

هر چند حصارهای خلفا و محدودیت‌های تحمیلی گوناگون نمی‌گذاشت بعد علمی امام، آن‌گونه که هست، برای توده مردم آشکار شود، ولی آنان که ایشان را می‌شناختند، آنان را با ویژگی علم بی‌پایان و لدنی می‌شناختند. حتی پزشکی مسیحی به نام «بختیشوع» درباره امام عسکری علیه السلام به شاگرد خود می‌گوید: «او امروز، داناترین فرد در زیر این آسمان است».<sup>۷</sup>

احادیث وارده از آن حضرت، گویای مکانت علمی اوست. نامه‌ها و رساله‌های گوناگون که در زمینه‌های مختلف، خطاب به اسحاق نیشابوری، مردم قم، به پدر مرحوم شیخ صدوق، برخی شیعیان، عبدالله بیهقی، دوستان و موالیان و... نوشته‌اند، یک دنیا حکمت و علم را دربردارد. کلمات اشخاص بزرگی که به ستایش مقام علمی و فضل آن حضرت پرداخته‌اند، شاهد دیگری بر این مدعاست. مثلاً احمد بن عبدالله بن خاقان که از کارگزاران حکومت عباسی است، ایشان را بارزترین چهره بنی‌هاشم در علم و فضل و موقعیت خانوادگی و رفتار و سلوک و نفوذ دانسته است.<sup>۸</sup> عبید بن خاقان نیز که از شخصیت‌های سیاسی آن دوران است، گفته است: اگر خلافت از بنی‌عباس زایل گردد، شایسته‌ترین فرد از نظر علم و فضل و عفاف و صلاح و عبادت حسن بن علی است.<sup>۹</sup> شیخ مفید از علمای بزرگ شیعه می‌گوید:

امام عسکری علیه السلام پس از پدرش، به سبب جامعیت همه فضایل و برتری نسبت به همه مردم آن روزگار و برخوردار بودن از همه شرایط امامت، پیشوای مردم بود و آنچه را که امامت لازم داشت، یعنی علم، زهد، خرد، عصمت، شجاعت، کرم و کارهای شایسته عبادی، در مرتبه والا و بالا همه را دارا بود.<sup>۱۰</sup>

بنابراین امام عسکری علیه السلام در عصر خود، «مرجع علمی» و «پشتوانه فکری» شیعه و فقها بود و روایان احادیث، با عنایت ویژه‌ای سخنان و علوم آن حضرت را نقل و ثبت می‌کردند؛ به‌ویژه در فقه، پاسخ‌های آن حضرت به نامه‌هایی که حاوی پرسش‌های فقهی بود، بسیار است.

## حصر و زندان

امام عسکری علیه السلام در طول عمر کوتاهشان، مدتی را در حبس و حصر گذرانده است. با آن که دوران امامت آن حضرت چندان طولانی نبود، ولی به علت آشفتگی اوضاع سیاسی و تغییرات پرشتاب در حاکمیت خلفای بنی عباس، آن حضرت شاهد خلافت تعداد زیادی از حکام سیاسی بود. یکی از آنان «متوکل» است که نسبت به امام هادی علیه السلام نیز سختگیر بود و آن حضرت را به «سامراء» که پایتخت خلافت عباسی شده بود، جلب کرد. امام عسکری علیه السلام هم در خدمت پدر به این شهر برده شد و زیر نظر دستگاه خلافت بود و سخت گیری های خلیفه نسبت به امام هادی علیه السلام شامل فرزند و خانواده ایشان نیز بود.

پس از هلاکت متوکل، نوبت به «منتصر» رسید. او در مدت کوتاه خلافتش بنای خوش رفتاری با شیعه و امام عسکری علیه السلام گذاشت؛ ولی خیلی زود، دوران او سپری شد و قدرت به «مستعین» رسید. سپس «معتز» خلیفه شد و پس از او «مهدی» و بعد از او «معمد» به خلافت رسیدند. این ها همه نسبت به آل علی و شخص امام عسکری علیه السلام کینه و دشمنی داشتند؛ زیرا آنان تحمل آوازه علمی و فضایل امام و جایگاه وی در دل ها و شخصیت و جایگاه والای ایشان را نداشتند و پیوسته از موقعیت اجتماعی و محبوبیت امام در هراس بودند و وجودش را کانون خطری برای خلافت خود می دیدند.

«مستعین» و «معتز» و «مهدی» هر کدام به نوبه خود دستور بازداشت امام را دادند. معمولاً هم زندانبان و مراقب را از سرسخت ترین دشمنان اهل بیت علیهم السلام می گماشتند. بازداشت امام، اغلب در میان هواداران، موجی از اندوه و نگرانی پدید می آورد و نسبت به جان حضرت بیمناک می شدند؛ اما کاری هم از آنان ساخته نبود، چون خودشان هم در معرض تعرض و زندان قرار می گرفتند.

## دلایل سخت گیری خلفا بر امام علیه السلام

نوع برخورد و فشارهای حکام نسبت به ائمه شیعه علیهم السلام نشان بیم و هراس آنان و احساس خطری بود که نسبت به زوال و تزلزل قدرت خود داشتند. از شاخصه های کلی و رایج عصر خلفای عباسی، جور و ظلم به مردم، تضییق و فشار نسبت به اهل بیت و امامان و هواداران، آشفتگی در وضع سیاسی و حکومت، حیف و میل بیت المال و عیاشی و خوش گذرانی و

فساد دربار و حاشیه‌نشینان بساط خلافت بود. این کلیت آن شرایطی است که شرح و بسط آن در این مختصر نمی‌گنجد.

ناآرامی‌های اطراف و اکناف کشور اسلامی و موج اعتراض‌های پراکنده، نشانه دیگری از عدم ثبات سیاسی بود. تُرک‌ها بر خلیفه و دربار سلطه و نفوذ داشتند. خلفا هم اغلب افراد کم‌سواد و غرق در لذات و شهوات بودند. علویون در چنین شرایطی از آن‌جا که کانون خطر و نقطه بحران خیز بر ضد سلطه جور به‌شمار می‌آمدند، پیوسته مورد فشار بودند و دچار تنگناهای سیاسی و اقتصادی و محرومیت از حقوق می‌شدند. این که امام عسکری علیه السلام را در سامراء، در یک نقطه نظامی زیر نظر قرار داده بودند و به نوعی شبیه «حصار خانگی» بر آن حضرت حاکم بود و مأموران خلیفه، آن حضرت و رفت و آمدها را زیر نظر داشتند و گزارش می‌دادند، گویای همین وحشت آنان بود. فشار بر شیعیان و مناطق شیعه‌نشین هم کم نبود.

در این میان، قمی‌ها بیشتر زیر فشار بودند؛ زیرا قم پایگاه و مرکز نشر و ترویج مکتب اهل بیت و فقه ائمه و روایات و فضایل معصومین علیهم السلام بود. در سلسله روایانی که از امام هادی و امام عسکری علیهم السلام حدیث نقل کرده‌اند، چهره‌های قمی بسیارند. از این رو سخت‌گیری و ستم به اهل قم هم بیشتر بود. برای نمونه «موسی بن یحیی» را که حاکمی شرور و ستمگر و بدرفتار بود، به امارت و ولایت قم گماشتند. او آن‌قدر بدرفتار بود که چهره‌های سرشناسی از قم خدمت امام عسکری علیه السلام شکایت بردند. حضرت هم در حق آنان دعا فرمود که خداوند آنان را از شرّ آن طاغی نجات دهد و به ایشان دعایی آموخت که در قنوت‌های نمازشان بخوانند تا از شرّ آن طاغوت رها شوند (الحمد لله شکرًا لِنِعْمائِهِ...).<sup>۱۱</sup> این دعا مضامینی دارد که ترسیم‌کننده شرایط دشوار آن روزگار است.

به موازات ستم‌گستری خلفا، وزرا و امرای آنان هم در حدّ توان از جور و عدوان کم نمی‌گذاشتند و به اختلاس اموال و شکنجه مخالفان و به فقر و تهیدستی نشاندن هواداران اهل بیت علیهم السلام می‌پرداختند. به قول سعدی:

اگر ز باغ رعیت، مَلِک خورد سببی      بر آورند غلامان او درخت از بیخ

در این شرایط بود که قیام «یحیی بن عمر طالبی» در کوفه، قیام زنگیان برضد حکومت

عباسیان، شورش مردم در شام و مناطق دیگر، روی داد.<sup>۱۲</sup> مردم رنج‌دیده و مظلوم نیز به امید رهایی، گرد این پرچم‌های افراشته علیه بیداد جمع می‌شدند و حمایت می‌کردند. طبیعی بود که دستگاه خلافت، رگ و ریشه این عصیان‌ها و اعتراض‌ها را در تفکر «امامت شیعی» بدانند و ائمه را در فشار قرار دهد و برای حذف فیزیکی آنان توطئه‌چینی کند و امامان را به شهادت برساند.

### هدایت امت در عصر ستم

درباره امام عسکری علیه السلام این پرسش مطرح است که چگونه ایشان با این که بیشتر دوران امامتشان را در زندان، و یا زیر نظر و مراقبت بودند، کشتی امامت امت و رهبری اسلامی را هدایت می‌کردند؟

در پاسخ باید گفت: شیعه در آن روزگار، پراکنده بود. امام هادی و امام عسکری علیه السلام برای ارتباط با توده‌های هوادار، از «نماینده» استفاده می‌کردند. در مناطق مختلف ایران، و نیز در کوفه، بغداد، مدائن، مصر، یمن، حجاز و سامراء که شیعیانی می‌زیستند، امام از شیوه «نظام و کلایی» بهره می‌گرفت. «وکیل» آن حضرت در آن بلاد، واسطه بین امام و شیعیان بود و شیعیان برای دریافت پاسخ‌های مسائل شرعی و فکری و اعتقادی و مسائل مالی به آن وکلا مراجعه می‌کردند. مثلاً در «قم»، صدها راوی و حدیث‌شناس معتبر و موثق وجود داشتند که از طریق مکاتبه، با امام ارتباط داشتند.<sup>۱۳</sup> با دشواری‌های ارتباط حضوری در آن روزگار، عملاً تنها راه ممکن و عملی «مکاتبه» بود. معتمدین امام، رابط میان شیعه و امام معصوم بودند. مثلاً «عثمان بن سعید» که مورد وثوق امام هادی و امام عسکری علیه السلام بود، شغل روغن‌فروشی داشت و از این شغل، به‌عنوان پوشش برای ارتباط خود استفاده می‌کرد تا مورد سوءظن و حساسیت دستگاه خلافت قرار نگیرد و اموالی که خمس و حقوق شرعی بود، توسط او به محضر امام عسکری علیه السلام فرستاده می‌شد.

این شیوه، یعنی ارتباط با واسطه و توسط وکیل و نماینده، نوعی زمینه‌سازی برای «عصر غیبت» یا دوران امامت حضرت مهدی علیه السلام بود که آن حضرت از دیده‌ها پنهان شده و شیعیان توسط چهار وکیل و نایب خاص (نواب اربعه) امکان ارتباط با پیشوای خود و طرح مشکلات و دریافت پاسخ داشتند. برخی از نمایندگان در زمینه انتقال نظرات و مواضع سیاسی امام به



هواداران و مسائل مبارزاتی کار می‌کردند. روشن است که در این شیوه (نظام و کلایی) باید از چهره‌های کاملاً مورد اعتماد و رازدار و محرم اسرار و محکم و استوار استفاده می‌کردند. از این‌رو در جامعه اسلامی حتی باسوادتر و حدیث‌شناس‌تر از آن «وکلا» هم بودند؛ اما نمایندگان معین برای ارتباط، بیشتر مورد وثوق بودند و به لحاظ شغلی کمتر مورد حساسیت و سوءظن قرار می‌گرفتند.

### زمینه‌سازی برای دوران غیبت

امام عسکری علیه السلام با شیوه‌هایی زمینه دوران غیبت را فراهم می‌کرد. با مردم کمتر تماس حضوری داشت و گاهی در دیدارهای حضوری هم با برخی، از پشت پرده سخن می‌گفت و چهره خود را نشان نمی‌داد. در برخی دیدارها با افراد مورد اعتماد از شیعه، امام و حجّت بعدی را که فرزندی خردسال بود، به آنان نشان می‌داد، تا پس از شهادتش، شیعیان در حیرت و جهل و بلا تکلیفی نمانند. همه این‌ها با رعایت کامل اختفا و کتمان نسبت به وجود مبارک حضرت مهدی علیه السلام بود، تا دستگاه خلافت متوجه آن حضرت نشود و قصد جاننش را نکند.<sup>۱۴</sup>

پنهان نگاه داشتن تولّد یک فرزند، تا پنج یا شش سالگی، آن هم در عصر حساسیت دستگاه خلافت و جاسوسانش برای کشف آنچه در درون بیت امامت می‌گذرد، واقعاً کاری بزرگ است. امام، هم می‌بایست آن فرزند را به خواصّ نشان دهد تا امام بعدی را بشناسند، و هم از چشم نامحرمان نامطمئن نگه‌دارد تا به دربار گزارش ندهند.

امام عسکری علیه السلام از یک سو کار نظری و تبلیغی می‌کرد تا عقیده به امامت امام معصوم، خدشه‌دار نشود و مردم در شناخت حجت خدا به بیراهه نروند و سردرگم نشوند و از سوی دیگر مراعات پنهان‌کاری را نیز داشت. بیان ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام و مشخصات او و طرح مسئله غیبت و ظهور و انتظار فرج و دولت حقه مهدویّه از جمله فعالیت‌های نظری و تبلیغی آن حضرت نسبت به مسئله امامت و ولایت بود. در میدان عمل هم مردم را برای ورود به آن دوره خطیر آماده می‌ساخت، تا تحمّل «عصر غیبت» برای شیعیان عملی و آسان شود. البته رهبری امت با شیوه پنهانی، خطرات و آفاتی هم دارد و به سبب بروز اختلاف میان هواداران به خاطر در دسترس نبودن پیشوا، بسیار دشوارتر از امامت و رهبری آشکار است؛

ولی امام عسکری علیه السلام چاره‌ای جز هدایت امت به این صورت نداشت. بنابراین، هم عصر امام عسکری علیه السلام، دورانی ویژه بود، هم شیوه‌های هدایت و رهبری، خاص بود. امامان توانستند خط نورانی ولایت و اعتقاد به امامت معصومین را در سخت‌ترین شرایط و بحرانی‌ترین اوضاع، تبیین و حفظ و تقویت کنند، تا شیعه، عصر غیبت تا ظهور را با دستی پر از معارف ناب و حکمت‌های روشن و «تکلیف‌شناسی» و «تعهد به مکتب امامت» طی کنند.

به امید دمیدن «خورشید عدالت» از افق «انتظار».

### پی‌نوشت‌ها

۱. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۴۲۴.
۲. باقر شریف القرشی، حیاة الامام الحسن العسکری، ص ۲۲۲.
۳. همان، ص ۱۰۶.
۴. همان، ص ۱۱۰.
۵. این کتاب، همچنین ترجمه آن به نام «فرهنگ جامع سخنان امام حسن عسکری» از سوی نشر معروف چاپ شده است.
۶. باقر شریف القرشی، موسوعة سيرة اهل البيت، ج ۳۴، ص ۱۶۵ - ۲۰۹.
۷. حیاة الامام الحسن العسکری، ص ۶۲.
۸. همان، ص ۶۳.
۹. همان، ص ۶۴.
۱۰. همان، ص ۶۴.
۱۱. موسوعة سيرة اهل البيت، ج ۳۴، ص ۲۴۱. متن دعا نسبتاً مفصل است و در کتاب «مهج الدعوات» آمده است.
۱۲. رک: هاشم معروف الحسنی، سيرة الائمة الاثني عشر، ج ۲، ص ۵۰۸.
۱۳. درباره نظام وکلایی امام هادی و امام عسکری علیه السلام رک: محمد الصدر، تاریخ الغيبة الصغری، ص ۲۲۶.
۱۴. همان، ص ۲۰۹ - ۲۱۸.